

نکات ادبی، زبانی، معنی و مفهوم، درس دوم:

«چشمه معرفت»

درس دوم

چشمه معرفت

در یکی از سال‌های نوجوانی که کنجاوی خستگی‌ناپذیری داشتم، برای فراگرفتن و فهمیدن و بدین‌گونه برای کشف کردن، سری به طبیعت روستا زدم. با نگاه‌های کنجاوانه و تشنه، به درس بزرگ طبیعت می‌نگریستم. گوش می‌دادم، چشم می‌دادم، دل می‌دادم و روحم چنان غرق فهمیدن بود که از هیجان می‌لرزید. احساس می‌کردم هم‌اکنون چشمه‌های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد و آب‌های زلال و سرد و گوارای فهم و دانایی در من خواهد جوشید. من اکنون درست نمی‌دانم که در آن لحظه‌ها تا کجا می‌فهمیدم و نمی‌دانم چه فهمی از آن زیبایی‌ها و آفرینش الهی داشتم اما یقین دارم که در کلاس شگفت آفرینش و زیبایی طبیعت، عظمت و جلال و جاذبه خالق درس را با همه وجودم لمس می‌کردم.

غرچه شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناکهان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگلستان پاهای برهنه‌ام احساس کردم؛ آب، جوشش چشمه‌ها!

آب، این روح نذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و نیرومند با گام‌های استوار و امیدوار شتابان می‌رفت تا خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه‌های پژمرده هزاران درخت تشنه برساند و در رگ‌های خشکیده جوی‌های مزرعه و کوچه باغ‌های مرده، جاری گردد.

سطر ۳:

آرایه ادبی:

- ✓ نگاه های تشنه : تشخیص /
- ✓ با نگاه های تشنه به درس بزرگ طبیعت می نگریستم : کنایه از اینکه با شوق و میل زیاد داشتم از طبیعت درس زندگی می آموختم /
- ✓ درس طبیعت : تشبیه (طبیعت به درس تشبیه شده) /
- ✓ گوش چشم و دل : مراعات النظیر /
- ✓ روحم از هیجان می لرزید : تشخیص /
- ✓ غرق فهمیدن بود : کنایه از اینکه با تمام وجود در حال یاد گرفتن بودم /

سطر ۵:

آرایه ادبی:

- ✓ چشمه های طبیعت : تشبیه (طبیعت به چشمه تشبیه شده)
- ✓ چشمه های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد : معرفت به چشمه تشبیه شده / و کنایه از اینکه همه وجودم پر از شناخت و معرفت می شود .
- ✓ آب سرد، زلال و گوارا : مراعات النظیر /
- ✓ آب های فهم و دانایی : تشبیه (فهم و دانایی به آب تشبیه شده است) /
- ✓ در من خواهد جوشید : کنایه از اینکه فهم و دانایی در وجود من جاری است /

سطر ۸:

آرایه های ادبی:

✓ کلاس شگفت آفرینش : تشبیه (آفرینش به یک کلاس تشبیه شده).

سطر ۱۲:

آرایه ادبی:

- ✓ آب این روح مذاب : آب به روح تشبیه شده /
- ✓ آب شتابان می رفت : آرایه تشخیص /
- ✓ دهان خشک زمین : آرایه تشخیص /
- ✓ نگاه های پژمرده درخت : آرایه تشخیص /
- ✓ رگ های خشکیده جوی : آرایه تشخیص و تشبیه ، رگ به جوی خشکیده تشبیه شده /
- ✓ کشتزار ، مزرعه : مراعات النظیر

سال دیگر که به روستا برگشتم، بر روی سبزه‌ها و کشته‌های سیراب، درختان سرسبز باغ و صحرا را دیدم که شاخه‌دست‌های خویش را به آسمان برافراشته بودند و دعا می‌کردند و کودکان پر نشاط گل بوته‌ها و نوجوانان امیدوار درت‌ها در گوش نسیم، آیین می‌گفتند و من با غرور و مهربانی و خشودمی، باغ و صحرا را تماشا می‌کردم و در درخت‌ها و بوته‌ها می‌نگریستم. گویی با هر یک از آنان آشنایی دیرینه دارم و با همه ساقه‌های سرسبز، رفیق و خویشاوندم. لنین نخستین باری بود که در برابر لنین همه عظمت و بزرگی و در میان این همه آفرینش خداوند، خود را که هنوز نوجوان بودم، بزرگ حس می‌کردم.

از صحرا بازمی‌گشتم و نسیم، مانند مادری مهربان و آداب‌دان که به کودکان خویش، حق‌شناسی و ادب می‌آموزد، سرهای نهال‌های جوان و بوته‌های نوزاد خویش را به نشانه احترام و وداع با من خم کرده بود و من در آخرین نقطه دید که اندک اندک صحرا از نظرم ناپدید می‌شد، بار دیگر سرم را برگرداندم و با تکان دادن دست‌هایم به احساسات خاموش انا سرشار از پاکی و صفای این طبیعت و سبزه‌های معصوم پاسخ می‌گفتم و به خالق آنها می‌اندیشیدم و این بیت «سعدی» را زمزمه می‌کردم:

«برگ درختان سبز در نظر حوشار
حرورش و فزونی است معرفت‌کردگار»

کوبه، دکتر علی شریعتی، با اندک تلخیص

سطر ۱۷:

آرایه ادبی:

- ✓ شاخه دست : تشبیه (دست به شاخه درخت تشبیه شده)
- ✓ دعا کردن درختان سبز : آرایه تشخیص /
- ✓ کودکان پرنشاط گل بوته ها : تشبیه (بوته های گل مانند کودکان شاداب و بازیگوش اند)
- ✓ نوجوان امیدوار ذرت : تشبیه (ذرت ها مانند نوجوانانی امید وارند) /
- ✓ گوش نسیم : آرایه تشخیص /
- ✓ آمین گفتن به گل بوته ها ونسیم نسبت داده شده : تشخیص /

سطر ۲۳:

آرایه ادبی:

- ✓ نسیم مانند مادری مهربان : تشبیه /
- ✓ حق شناسی و ادب آموختن به نسیم نسبت داده شده : تشخیص /
- ✓ خم شدن سر بوته ها برای احترام و وداع : تشخیص
- ✓ منظور از بوته های نوزاد : بوته های تازه رویده دشت و صحرا است که نسیم آن ها را به حرکت در آورده است .

« برگ درختان سبز در نظر بهوشیار هرورقش دقمریست معرفت کردگار »

معنی و مفهوم: از نظر انسان های خردمد و باهوش برگ های درختان به هنگام بهار مانند کتابی اند که عظمت و بزرگی خداوند را به ما می شناسانند .

آرایه ادبی: برگ درختان مانند کتاب است : تشبیه /

نکته دستوری: این بیت از یک جمله تشکیل شده است

لغات مهم :

داستان کرشال :

۱. کنجکاوی : جستجو و دقت
۲. خستگی ناپذیر : کسی که بدون خستگی کار می کند
۳. کشف : آشکار کردن چیزی
۴. هیجان : برانگیختگی و التهاب
۵. معرفت : شناخت
۶. زلال : صاف و گوارا
۷. گوارا : خوشایند ، لذت بخش
۸. فهم : فهمیدن
۹. یقین : اطمینان
۱۰. عظمت : بزرگی و شکوه
۱۱. جلال : شکوه
۱۲. جاذبه : جذب کننده
۱۳. شکوه : بزرگی
۱۴. اعجاز : کاری شگفت و عجیب
۱۵. مذاب : ذوب شده و گداخته
۱۶. سیراب : آن چه به حد کافی آب خورده باشد
۱۷. غرور : احساس سربلندی به سبب موفقیت
۱۸. دیرینه : قدیمی / سالخورده و کهن
۱۹. آداب دان : آگاه به آداب
۲۰. وداع : خداحافظی
۲۱. نقطه دید : جا و مکانی که قابل دیدن است
۲۲. معصوم : بی گناه و پاک
۲۳. زمزمه : نغمه ، خواندن آرام و زیر لب
۱. لُپ : گونه
۲. قنداقه : ملحفه و دورپیچ کودک
۳. روله : فرزند (کردی)
۴. گالش " نوعی کفش
۵. خشکش زد : کنایه از تعجب
۶. تنگ : محکم
۷. خیش : وسیله شخم زدن
۸. پاره تن : فرزند عزیزمویه : شیون و زاری
۹. زار : سوزناک / با اندوه و ناراحتی
۱۰. دایه : در این درس یعنی مادر
۱۱. هراسان : ترسان
۱۲. بر سر زنان : در حال ناله و زاری
۱۳. دندان بر سر دندان ساییدن : کنایه از خشمگین بودن
۱۴. خرناسه : صدایی ناهنجار
۱۵. معطل : بی کار
۱۶. خیره : نگاه کردن به چیزی با دقت و بدون برداشتن چشم
۱۷. سخت : بسیار
۱۸. مجال : فرصت
۱۹. زُل : نگاه خیره
۲۰. خاکت بر سر : کنایه از بدبخت و بیچاره
۲۱. تقلا : کوشش
۲۲. هق هق : صدای بریده بریده گریه طولانی